

در مکتب تجربه

گفتگویی با برادر مهندس
محمد حسین رفیعی طاری



خصوصاً استاد روزبه که هم فیزیک و هم علوم دینی را تدریس می‌کرد و به هر دو بعد تسلط کامل داشت. بعد از اخذ دیپلم به واسطه علاقه به مرحوم روزبه در محضر ایشان به تحصیل خصوصی ادامه دادم و در جلسات تفسیری شرکت می‌کردم که تا قبل از فوت ایشان دایر بود. در سال ۵۰ در رشته مهندسی سازه دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شدم. دوران دانشجویی نیز همانطور که واقفید مشحون از فضای سیاسی مذهبی بود و لازم بود تا برای برخورد همه‌جانبه در جهات مختلف، به صورت عمقی با معارف دینی آشنا شویم. بعد از انشعابات سال ۵۳ و ۵۴ مجاهدین خلق و تحولات و پی‌آمدهای آن در دانشگاه ما بیشتر بر حفاظت از دین و اعتقاد در دانشگاهها، در مقابل عقاید التقاطی و مارکسیستی واقف شدیم. به همین علت به

در ادامه صحبت با پیشگامان تعلیم و تربیت، در این شماره از گفتار برادر محترم جناب آقای محمد حسین رفیعی طاری سود جسته‌ایم تا آنچه عصارة عمر است را از زبان ایشان بشنویم، تجاربی که خصوصاً معلمان جوان ما سخت محتاج دانستن آن هستند.

مذهبی در خانواده از همان اوان طفولیت به اتفاق خانواده در جلسات مذهبی شرکت کرده و مشتاق تفکر و تعمق در مسائل مذهبی بودم. دوره دبیرستان را در علوی با آن جو مذهبی خاص طی کردم و بهره‌مندی از محضر اساتید میرزی چون استاد روزبه و شهید سید کاظم موسوی رحمة الله علیهما نصیب شد. سایر اساتید نیز حق دینی و علمی به گردن من دارند

رشد معارف - با تشکر از قبول دعوت ما ابتدا لطف فرموده مختصری از تاریخچه زندگی و سوابق تحصیلی و تدریس و اشتغالات خود را برای خوانندگان توضیح دهید.

بسم الله الرحمن الرحیم - بنده متولد سال ۱۳۳۱ هستم که در یک خانواده متوسط و مذهبی؛ به دنیا آمدم. به دلیل وجود زمینه‌های



* بسیاری از معلمان امروز دینی برای این کار ساخته نشده‌اند و بر اساس اطلاعات جسته گریخته مذهبی خود متکفل این کار شده‌اند.

اتفاق تنی چند از دوستان به خدمت استاد مطهری رسیدیم و از ایشان تقاضا کردیم جهت نفی القانات مارکسیستی درسی در باب فلسفه دین و تاریخ برای ما بگذارند و با قبول این زحمت از جانب ایشان توفیق استفاده از ایشان بین سالهای ۵۴ تا ۵۷ نصیب ما شد. و اگر بضاعت مختصری از معارف دینی دارم مدیون استاد مطهری - شهید بهشتی و شهید باهنر هستم، که چندی نیز در خدمت این دو بزرگوار اخیر الذکر تلمذ کردم.

در دوره دانش‌آموزی و دانشجویی، قدری دروس حوزه خواندم و آشنایی در حدود سطح حاصل شد و با فراغت از تحصیل دانشگاه مدتی به کار مهندسی پرداختم، پس از آن به جهت علاقه خود و اصرار شهید رجایی به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمدم. از آن زمان همراه با تدریس مسئولیتهای مختلفی را از جمله سمتهایی در آموزش و پرورش - رئیس دفتر شهید رجایی در زمان ریاست جمهوری - رئیس دفتر آیه‌الله خامنه‌ای در زمان ریاست جمهوری، از سال ۶۳ مشاور آموزشی وزیر آموزش و پرورش و اخیراً مسئولیت مشاور فنی - حرفه‌ای وزیر آموزش و پرورش را پذیرفته‌ام. در این خلال علیرغم مشغله‌های بسیار شغل اصلی خود یعنی معلمی و تدریس را هیچگاه فراموش نکرده‌ام هم اینک نیز دبیر پیش دینی دبیرستان سفید هستم.

رشد معارف - نظر جناب‌عالی در خصوص وضعیت تدریس دینی در کشور چیست و چه پیشنهادهایی برای بهبود آن دارید؟

می‌دانید که تدریس دینی قبل از انقلاب وضعیت مطلوبی نداشت، درس مهجوری بود و مورد بی‌اعتنایی و بغض رژیم. سعی می‌کردند این درس را حذف کنند ولی چون زمینه آماده نبود سعی کردند آن را بسیار کمرنگ کرده و یا از این درس جهت تخریب دین استفاده کنند.

شهیدان عزیزی چون بهشتی و باهنر در همان زمان با احساس رسالت به تألیف کتب دینی پرداختند و توفیق را از رژیم سلب کردند ولی از جهت تضعیف معلمان دینی رژیم موفق بود و حتی شنیده‌ام که در مدارس، بهائیه‌ها و اقلیتهای مذهبی درس دینی می‌دادند!

بعد از انقلاب درس دینی مورد توجه قرار گرفت، هم از جهت کمی و هم از جهت کیفی. یعنی ساعات تدریس اضافه شد و در کنار درس دینی، تدریس عربی گذاشته شد. شکل تألیف کتابها بهتر شد و برای تربیت معلمان دینی برنامه‌ریزی شد. گرچه امروزه نیز اشکالاتی موجود است و احتمالاً وضعیت دینی در آن حد مطلوب نباشد ولی مسئولین تألیف این کتب سعی وافری دارند که مطالب، روش تدریس و شیوه طرح موضوعات را بهبود ببخشند. مهمترین مشکل، کمبود معلم دینی است و شاید بسیاری از معلمان امروز دینی برای این کار ساخته نشده‌اند و بر اساس اطلاعات جسته گریخته مذهبی خود متکفل این کار شده‌اند که البته رفع این نقایص نیاز به

صرف زمان دارد و امید است ما هر چه پیشتر می‌رویم بتوانیم توفیق بیشتری در تربیت نیروی انسانی آموزش دینی داشته باشیم. تناسب سنی معلم و دانش‌آموز، تناسب موضوعات با سنین دانش‌آموزان آشنایی معلم با روانشناسی رشد و مسائل ذهنی دانش‌آموزان که چنانچه از مسائل عقلی یا روایات ائمه استفاده می‌کند به گونه‌ای باشد که در ذهن دانش‌آموز جا بیفتد از نکات مهم در تدریس دینی است.

مفاهیم اصولی توحید، نبوت، معاد، امامت و ولایت، صفات خدا، اینها احتیاج به شیوه‌ها و روشهای بسیار دقیق و روانشناسانه‌ای دارد که معلمان دینی باید با آنها آشنا باشند. موضوع دیگر در آموزش دینی تمایز جنسیت است. من تصور می‌کنم بین دختر و پسر در تفهیم و تفهم مسائل دینی فرق است. ضمن اینکه نیاز اینها هم در مسائل دینی متفاوت است. یعنی نیاز دختران به شناختن شخصیت‌های زن مورد ستایش در اسلام بسیار بیشتر از پسران است. دختران به شناختن روحیات و شخصیت حضرت زهرا، حضرت زینب، حضرت مریم، آسیه زن فرعون و... از پسران محتاج‌ترند.

نوع احکام دختران نیز متفاوت است که من امیدوارم کارشناسان دفتر تحقیقات و سازمان پژوهش در تألیف کتب حداقل در بعضی فصول بین دختران و پسران فرق بگذارند. باز من به عنوان یک محور اصلی بر روی کمبود و موقعیت معلم دینی تأکید می‌کنم که نیاز اساسی ماست.

*** تناسب سنی معلم و دانش آموز، تناسب موضوعات با سنین دانش آموزان، آشنائی معلم با روانشناسی رشد و مسائل ذهنی دانش آموزان... از نکات مهم در تدریس دینی است.**

اخلاقی، اجتماعی و علمی بزرگان دین را که تصویر کاملی از دین خدا هستند به نمایش بگذارد. در سالهای آخر دبیرستان معلم به جنبه‌های عقلی بیشتر توجه کند. به هر حال جنبه‌های عقلی و فلسفی با دین بسیار آمیخته است و این نیز به قدرت استدلال معلم بستگی دارد. و عیبی ندارد اندکی بیان منطقی و فلسفی را نیز در سالهای آخر به درس بیفزائیم تا مسائل دقیق تر جا یفتند.

رشد معارف - اگر صلاح بدانید مختصری هم در ارتباط با فعالیتهای سیاسی خودتان قبل از انقلاب اسلامی توضیحاتی بفرمائید.

بنده در مقایسه با سایر عزیزانی که شکرچه دیده و سختی کشیده و بعضاً به شهادت رسیده‌اند، فعالیتی نداشته‌ام و چیز قابل عرضه‌ای ندارم. ولی از بابت اجابت سؤال بهر حال ما نیز قدری فعالیت سیاسی قبل از انقلاب داشته‌ایم ابتدا که از دبیرستان و با فعالیتهای مخفی به اقتضای سن شروع شد و پس از ورود به دانشگاه همراه با آشنایی با شهیدان عزیز رجایی (که ارتباط من با ایشان بسیار زیاد بود) استاد شهید مرتضی مطهری، آیه الله دکتر بهشتی، شهید دکتر باهنر و مرحوم دکتر شریعتی ادامه یافت که بیشتر شامل کمک به آن بزرگواران می‌شد. همچنین از فعالیتهای دانشجویی در انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی آریامهر آن روز (صنعتی شریف) که جو بسیار مناسبی داشت می‌توان نام برد.

صورت یک درس محوری برای ما مطرح است و نقص در آن نقص نظام دینی است و معلم دینی تکلیف دنیایی و آخرتی برعهده دارد. دانش آموز باید در درس دینی ارضاء شود و الا ناکامی او گران تمام خواهد شد. در محیط مدرسه نیز دبیر دینی باید بین همکاران، شخص بسیار موفق و محبوبی باشد. یعنی در محیط آموزشی، بین همکاران بسیار سنجیده و مراقب باشد و رفتار و عبارات و کلمات او نشانه کمالات وی باشد و آئینه معلوماتی که او به دانش آموز می‌آموزد.

رشد معارف - جنابعالی چه روشهایی برای تدریس مفاهیم و به‌طور کلی اجرای درس دینی پیشنهاد می‌کنید؟

من بعضی از مطالب را در پاسخ سؤال قبلی عرض کردم. در تدریس دینی ملاحظه سنین رشد دانش آموز اهمیت دارد. رشد ذهنی او مهم است، جنسیت (دختر و پسر) مهم است. معلومات مورد نیاز هر دو جنس متفاوت است. سن دانش آموز، سن نگرش به جنبه‌های مثبت است. بنابراین، صحبت از قیامت و عذاب و جهنم، اگر چه ممکن است از جهت تأثیرگذاری سریع اهمیت بیشتری داشته باشد ولی نیاز دانش آموز بیشتر به فهم جنبه‌های مثبت دین و حیات و زندگی است. لطف و عنایتی که خداوند نسبت به بندگان خود دارد و رأفت و رحمتی که از جانب خداوند جاری است؛ معلم دینی باید نکات عاطفی و بزرگواریهای اولیاء و انبیاء خداوند را برشمارد، کمالات سیاسی،

رشد معارف - با تشکر، جنابعالی به عنوان یک دبیر با تجربه خصوصیات یک دبیر دینی و قرآن را چگونه توصیف می‌کنید؟ معلم دینی یک سری عمومیات دارد مثل سایر معلمان و یک سری خصوصیات دارد که مختص به خود اوست. عمومیات را همه می‌دانیم، داشتن انگیزه‌های خدایی، تحقیقی، علمی در شغل معلمی و احساس رسالت است. ولی خصوصیات یک معلم دینی متمایز است. بی‌توجهی به دنیا و زینت‌های آن نداشتن انگیزه‌های مادی، الگو بودن در ظاهر و شخصیت باطن، بیان و رفتار مسلط برای دفاع از دین، حس مسئولیت تعلیم و تربیت، بینش عمیق در دین برای جانداختن مطلب، تسلط بر علوم جانبی مثل تسلط بر ریاضیات برای استدلال قوی، داشتن اطلاعات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی، اطلاع از اوضاع جهان و روز، معلومات عمومی بالا برای پاسخگویی به سوالات مختلف دانش آموزان (گاه یک دانش آموز یک تئوری فیزیک را در تناقض با اعتقادات خودش می‌بیند) آشنایی به سیره ائمه و معصومین، کرامت رفتار، محبت و عاطفه (دین مجسم باشد) از جمله اوصافی است که باید برای یک معلم دینی برشمرد. باید دانست که ضعف یک معلم بینش دینی در نظر دانش آموز ضعف دین تلقی می‌شود و دین را در نظر دانش آموز بی‌ارزش می‌کند. به این جهت من فکر می‌کنم تا جهات مختلف امر در یک شخص جمع نشود او صلاحیت برای تدریس دینی پیدا نمی‌کند. و امروزه درس دینی به



انسان با آنها برخورد می کند خاطره است. اما بهترین خاطرات مرا تدریس به دانش آموزانی در برمی گیرد که در دبیرستان مفید مشغول به تحصیل بوده اند و بسیاری از آنان طی سالهای بعد از انقلاب بدست منافقین و در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده اند و تعداد این عزیزان بالغ بر هشتاد نفر است که به راستی باید گفت اینان معلم من بوده و هستند. دوستانی که با اشتیاق در سر کلاس حاضر می شدند و درس خواندن را تکلیف شرعی خویش می دانستند، به تمام معنا مقید به احکام دین بودند، هر وقت امامشان امر می کرد در جبهه حاضر بودند و هرگاه وظیفه اقتضاء نمی کرد در سر کلاس با جدیت مشغول درس بودند. این جزء بهترین خاطرات دوران تدریس من است و من از این که در کنار آنها بوده ام به خود می بالم.

رشد معارف - در خاتمه با عنایت به آشنایی و سابقه تحصیلی حضرت عالی در محضر استاد شهید مطهری، چنانچه نکته ای در خصوص تعلیم و تدریس ایشان بیاد دارید، باز گو فرمائید.

روش تدریس و تعلیم ایشان در برخورد با ما بسیار ارزنده و ماندنی است ایشان به شاگردان خود احترام فراوان می گذاشت. در خلال روزهایی که ما در خدمتشان درس فلسفه تاریخ را کنفرانس می دادیم، ایشان خیلی مؤدبانه بعضاً سؤال یا اشکالی مطرح می کرد و با کسب اجازه پاسخ می خواست. درست مثل یک شاگرد مدرسه به سخنان ما گوش می داد و با تواضع بسیار و کلام مؤدبانه، مثلاً با لفظ «اجازه می فرمائید سؤالی بکنم؟» اشکالی به بیان برداشت ما مطرح می فرمود و آن را تصحیح می کرد. خاطره دیگر مربوط به زمانی است که حضرت امام پس از ورود به ایران در مدرسه علوی سکنی گزیده بودند، علمای مختلف به دیدن امام می آمدند. ما هم در خدمت شهید مطهری در آن مدرسه مشغول خدمت

*** بی توجهی به دنیا و زینت های آن... بیان و رفتار مسلط برای دفاع از دین... داشتن اطلاعات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فلسفی، اطلاع از اوضاع جهان و روز... کرامت رفتار، محبت و عاطفه از جمله اوصافی است که باید برای یک معلم دینی برشمرد.**

رشد معارف - با تشکر آخرین سؤال خاطراتی است که از دوران تدریس دارید. محبت فرموده برای خوانندگان ما بسیار فرمائید؟

البته آنهایی که معلم هستند خودشان می دانند که کار معلمی از جهاتی کنار بسیار شیرینی است و در نتیجه تماماً خاطره است. در کار معلمی از آن جا که انسان هر سال با افراد جدید و هر روز با تفکرات و افراد مختلف آشنا می شود همه اش تنوع است و همه چیزهایی که

چندین بار توسط ساواک دستگیر شدم که در آخرین بار مقارن با وقوع انقلاب کسیر اسلامی از زندان آزاد و پشت سر عزیزان یاد شده به حرکت خود ادامه دادم و به فرحال از آنجایی که خود را مدیون این مملکت می دانم بر خود فرض می دانم نسبت به مسائل کشور بی تفاوت نباشم. سعی بر این بوده که تحرک و فعالیت خود را در این زمینه همواره حفظ نمایم. ولی در مجموع فعالیت قابل ذکری نداشته ام که قابل توضیح باشد.

هدایای ائمه (ع)

به شاعران

ترجمه و تدوین: ناصر باهنر

نقل است که غزالی از ۳ چیز کناره گرفت و دو چیز آن به پادشاهان رفتن و صلح گرفتن از آنان است. هر چه حکماء و ارباب عقول و معرفت به در یوزگی دربار و پادشاهان نمی رفتند و از عطای آنان بیستاک بودند، مستقیماً محضر ائمه اطهار (ع) در طول تاریخ جایی شمرده شده است که شعرا و حکماء مکرراً برای کسب عزت و آبرو در آن حضور یافته و در منقبت ایشان مدیحه سرایی کرده اند و با جان و دل حمله ایشان را پذیرا شده اند. تاریخ ائمه حاکی از جلسات معطری است که در آن شاعران با مدیحه سرایی به گدایی خاک پای آنان رفته اند و حمله ایشان را بدیده منت نهاده اند. بهت حاضر ترجمه مقاله «مع جوائز الائمة للشعراء» از کتاب «دراسات و بحوث فی التاريخ والاسلام» تألیف علامه جعفر مرتضی العاملی است.

در زمانی که وسایل ارتباط جمعی این چنین متنوع و گسترده نبود و نیز اکنون که رسانه‌های گروهی فراگیر شده است زبان شعر همچنان یکی از زبانهای آتشین و نافذی است که تا عمق روح انسانها تأثیر میگذارد و میزان تأثیرپذیری آن در مناطقی که شاعری و سخنوری ارزشی محسوب میشود بیشتر است و لذا حاکمان و قدرتمندان بسیار میکوشیده‌اند تا ازین هنر ارزشمند در جهت اهداف و مقاصد خود بهره‌برداری نمایند و شعرا نیز در طول تاریخ نوعاً در خدمت شاهان و امیران بوده‌اند. اما گاهی از میان شاعران حق‌گویانی پیدا میشدند که به ندای فطرت خود پاسخ میدادند و خداوند حقایق را به زبان آنها جاری می‌ساخت این شاعران با مدح و ثنای اهل بیت و ائمه

بودیم. یکی از ایام اطلاع حاصل شد که مرحوم آیه‌الله استاد علامه طباطبایی به دیدن امام می‌آیند دقیقاً خاطر م است که شهید مطهری درست مثل یک شاگرد رفتار می‌کرد همه چیز را مهیا کرده خود غرق در شوق زاید الوصفی بود و به محض ورود علامه پیش دوید دست ایشان را گرفت و رو بوسی کرد درست مثل بچه‌ای که به لباس بزرگترش می‌چسبد خود را به علامه می‌چسبانید.

تا اینکه ایشان را وارد اطاق کرد و بعد از ورود پشت در ایستاد و از هر دو استاد اجازه خواست و داخل شد و پس از خروج علامه از محضر امام نیز، استاد مطهری درست با همین سکنات و رفتار ایشان را بدرقه کرد و ایسن حرکات برای من از کسی که بعد از امام بالاترین مقام سیاسی کشور یعنی ریاست شورای انقلاب را داشت خیلی جالب بود. در محضر درس نیز بیان شیوای ایشان از جمله خطرات است که ایشان ادعای مخالف را به گونه‌ای سلیس و متین و محکم بیان می‌کرد (گرچه نظر مخالف مورد قبول خود ایشان نبود) که هر کس در میانه بحث می‌رسید تصور می‌کرد نظر شخص ایشان است. و بعد از اتمام کلام اگر ایشان اشکالی داشت باز با همان تبحر و استدلال و قدرت خاص نقاط ضعف و منفی نظریه را بیان می‌داشت.

رشد معارف - با تشکر مجدد، برای جنابعالی کمال توفیق را مسئلت می‌نمائیم.